

«هفتمین گردهمایی سالانه نفت و گاز خاورمیانه در بحرین»

مقدمه:

گردهمایی سالانه نفت و گاز خاورمیانه از سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) تا کنون هر ساله با شرکت محققان، مجریان، مقامات بلند پایه نفتی و به علاوه کلیه تصمیم گیرندگان ارشد کشورهای صادر کننده نفت و سایر کشورهای جهان جهت تبادلات علمی و کمک به تصمیم گیریهای اجرایی برگزار می شود. هفتمین کنفرانس نفت و گاز خاورمیانه که در بحرین برگزار شد (۱۱ تا ۱۳ آوریل) موضوع بازارهای نفت و قیمت های آن: از بحران موجود به سوی آینده، را به بحث و بررسی گذاشته بود.

در این گردهمایی که با حضور کارشناسان برجسته نفت و گاز و انرژی از اروپا، آمریکا، آسیا و کشورهای منطقه خاورمیانه در منامه پایتخت بحرین تشکیل شده بود با توجه به افت شدید قیمت نفت در سال گذشته و اثرات زیان آور آن برای کشورهای تولید کننده نفت و به خصوص کشورهای عضو اوپک، به تبیین دیدگاههای مختلف در مورد بحران جاری نفت و بررسی وضعیت تولید آن در کشورهای منطقه خاورمیانه در آینده و پس از بحران پرداخته شد.

اظهارات و تبیین نظرات شرکتهای بین المللی صاحب فن آوری نوین تولید نفت در شرایط فعلی و

دیدگاههای کشورهای تولید کننده نفت، دورنمای آینده این صنعت را روشن و شفاف می کند. بی تردید تعادل بین عرضه و تقاضا و نزدیک شدن قیمت نفت به قیمت های واقعی، دور شدن نفت از کالایی سیاسی و رفتن به سمت تبدیل آن به کالایی اقتصادی با شرایط خاص خود در تأمین انرژی جهان، آینده بهتری را برای عرضه کنندگان و هم چنین مصرف کنندگان به همراه خواهد داشت. در زیر کلیه مسائل مطرح شده در گردهمایی آورده می شود و نی در ابتدا نگاهی خواهیم داشت مختصر به موقعیت بحرین که محل برگزاری گردهمایی بود.

نگاهی به موقعیت اقتصادی و اجتماعی بحرین

بحرین با مساحت ۶۹۵ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۶۲۰ هزار نفر یکی از کوچکترین کشورهای حوزه خلیج فارس و عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) به شمار می آید. پایتخت آن شهر منامه و واحد پول این کشور دینار می باشد. در بحرین شیعیان اکثریت غالب جمعیت (حدود ۷۰ درصد) را تشکیل می دهند. در سال ۱۹۹۲ امیر وقت بحرین شورای مشورتی ۳۰ نفره ای تشکیل داد که تا به حال نیز این کشور با همکاری شورای مشورتی اداره می شود. ۱۶ نفر از اعضای این

بیکاری در این کشور ۱۵ درصد بوده است (۱۹۹۶).

صادرات این کشور در سال ۱۹۹۶، ۴٫۶ میلیارد دلار و واردات این کشور ۳٫۷ میلیارد دلار بوده است. مهم ترین شرکای تجاری این کشور در زمینه واردات عربستان سعودی، آمریکا، انگلستان، ژاپن و سوئیس هستند. بحرین با توجه به توسعه صنعت فولاد و آلومینیوم و طرح های گسترده ای که در برنامه های آتی دارد، علاوه بر گاز طبیعی خود نیازمند واردات گاز طبیعی خواهد بود. با توجه به موافقت نامه های جاری برای صادرات گاز به دومی و بررسی چند طرح مطالعاتی با کشور عضو همکاری خلیج فارس توسط ایران، بحرین نیز می تواند از امکان بالقوه صادرات گاز ایران استفاده کند. میزان واردات ایران از بحرین حدود ۵۹ میلیون دلار (۱۳۷۶) با ارزش ۴۱ صدم درصد و صادرات ایران به بحرین حدود ۴ میلیون دلار با ارزش ۱۳ صدم درصد صادرات ایران بوده است.

هفتمین گردهمایی نفت و گاز خاورمیانه

مباحث مهم این گردهمایی تحت ۶ عنوان موضوعی تنظیم شده که در آن مسئله

شورا وزراء کابینه این کشور هستند. اقتصاد بحرین حدود ۶۰ درصد وابسته به درآمد نفت و فرآورده های نفتی است. به دلیل وابستگی نسبی اقتصاد این کشور به درآمدهای نفتی، کاهش قیمت های جهانی نفت در سال گذشته (۱۹۹۸) همانند سایر کشورهای صادرکننده حوزه خلیج فارس مشکلاتی برای این کشور بار آورد.

برای غلبه به مشکل کاهش درآمدها و نیز سازگار نمودن اقتصاد با شرایط جهانی، دولت بحرین سیاست های اقتصادی خود را حول سه محور اساسی جذب سرمایه گذاری خارجی، افزایش درآمدهای غیرنفتی (عمدتاً آلومینیوم و فولاد) و خصوصی سازی فعالیت های اقتصادی و تولیدی برنامه ریزی کرده است. نرخ رشد خالص ملی ۲٫۷ درصد (سال ۱۹۹۷) و ترکیب اقتصاد ملی براساس بخش ها شامل کشاورزی یک درصد، صنعت ۳۸ درصد و خدمات ۶۱ درصد بوده است.

نیروی کار این کشور ۱۴۰ هزار نفر است که ۷۸ درصد در خدمات، بازرگانی و صنعت مشغول به کار هستند، ۲۱ درصد نیز در مشاغل دولتی و یک درصد در بخش کشاورزی (براساس آمار ۱۹۹۴) اشتغال داشته اند. نرخ

بهره‌گیری از فرصت‌های تازه، توسعه‌ی پایین دستی، چشم‌انداز توسعه، تجارت و قیمت‌گذاری، چشم‌انداز گاز طبیعی و نفت در جهان و خاورمیانه مطرح شده است.

۱- خاورمیانه و بهره‌گیری از موج جدید فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی

«سید مهدی حسینی» معاون بین‌الملل وزارت نفت کشورمان با تأکید بر این که قیمت‌های نفت بیش از همه حوزه‌های نفتی با هزینه‌ی بالا را با زیان مواجه ساخته، پیش‌بینی نمود که علی‌رغم بحران اقتصادی، تقاضای جهانی برای نفت به رشد سالانه ۲ درصد خواهد رسید. وی با توجه به سناریوهای مطرح در شرایط فعلی محتمل‌ترین حالت ناشی از کاهش قیمت‌های نفت را تحرک سرمایه‌گذارها به طرف مناطق کم‌هزینه از جمله خلیج فارس دانست. حسینی در پایان در مورد وضعیت فعلی صنعت نفت ایران گفت: ایران به عنوان یک بازیگر کلیدی در منطقه، با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی خود، از جایگاه ویژه‌ای در صفحه بین‌المللی انرژی برخوردار است.

آن‌را در عرصه نوین اقتصاد جهانی و اوضاع سیاسی نیز دریافت. ایران در جهت نیل به اهداف و مقاصد خود قراردادهای مختلفی را با شرکت‌های خارجی منعقد ساخت که از نوع قراردادهای بیع متقابل هستند و به منظور رشد و توسعه‌ی بخش بالادستی میادین نفت و گاز طراحی شده است.

«محمد صالح»، معاون وزیر نفت بحرین نیز در این بخش با اشاره به کاهش تدریجی قیمت‌های نفت در سال ۱۹۹۷ و افت شدید آن در سال گذشته گفت: این شرایط هم برای تولیدکنندگان نفت و هم شرکت‌های بزرگ نفتی مشکلات زیادی به همراه آورد. وی با توجه به فقدان تجربه مدیریتی ناشی از کمبود سرمایه‌گذاری در بعضی از کشورهای تولیدکننده نفت و بدهی کلان خارجی برخی دیگر از این کشورها پذیرش مشارکت خارجی در صنعت نفت را به عنوان تفکر و درمان جدید تلقی نمود. «محمد حسن ماریکن»، از پتروناس مالزی در مقاله خود با عنوان «فرصت‌ها و چالش‌های موجود فرا راه شرکت‌های ملی نفت در قرن جدید» گفت: صنعت نفت جهان هم اکنون در میانه راه پرتلاطم و پرچالش خود در تاریخ معاصر بسر می‌برد. و از مشخصه‌های

ملی نفت نیز یک تغییر ساختاری در صنایع نفت و گاز ضروری است تا بتواند نور تازه‌ای به صنعت خود بخشد.

وی در پایان گفت: شرکتهای ملی نفت می‌توانند با دستیابی به تکنولوژی‌های نوین از طریق مشارکت خارجی در بخش داخلی نفت و گاز خود با هم همکاری داشته و رقابت خود را گسترش دهند. شاید بتوان گفت خاورمیانه دارای پتانسیلی بالا است و با بررسی فرصتهای فعالیت مناسب می‌توان از این منطقه حداکثر سود را برد. «نادر سلطان» معاون رئیس کل و رئیس امور اجرایی شرکت نفت خام کویت، در مقاله‌ای با عنوان «فرصت و چالش‌های سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی کشور کویت» گفت: در سال ۱۹۹۵-۱۹۹۴، استراتژی بلندمدت خود را برای ده سال آینده به پایان رساندیم و اهداف جدیدی را برای آینده برنامه‌ریزی کردیم همین امر باعث می‌شود تا سال ۲۰۰۵ به یک ظرفیت دائمی و ثابت ۳ میلیون بشکه‌ای در روز برسیم. در صحبت‌ها و مباحثات ما با شرکتهای نفتی بین‌المللی اتفاق نظر روی مدل و سیستمی منحصر به فرد بود که زمینه‌های نوینی را ایجاد می‌کرد و واضح بود که طبق مدل مورد نظر امتیازاتی را

بسیار آشکار آن عرضه اشباع و کمبود تقاضا است که هر دوی آنها قیمت‌های پایین نفت را موجب شده است. از جمله اقدامات به عمل آمده برای افزایش قیمت‌ها، کاهش میزان تولید اوپک بوده که هم اکنون به میزان ۲٫۱ میلیون بشکه در روز است. اگر افزایش اخیر در قیمت‌ها نتواند دوامی داشته باشد، ما مجدداً به یک سناریوی قیمت پایین باز خواهیم گشت. بخش اکتشاف بیشترین صدمه را به دلیل عدم سرمایه‌گذاری لازم متحمل شده است. کاهش در میزان تقاضا فضای رقابت را پرتنش کرده است، به طوریکه کشورهای تولیدکننده نفت برای ایجاد جاذبه جهت سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی خود نهایت تلاش خود را می‌کنند تا به مشارکت خارجی بیشتر دست یابند.

در این میان شرکتهای سرمایه‌گذار با در دست داشتن تکنولوژی نوین و امکان کم کردن هزینه‌ها، بازدهی را بالا برده و شرایط را برای خود بهتر می‌سازند. در حالی که واقعیت امر این است که زمان آن فرارسیده است تا صنعت نفت سیر طبیعی خود را طی نماید و با افزایش تقاضا وضعیت اقتصادی جهان بهبود یابد. از طرفی برای شرکت‌های

برای شرکت به خاطر دارا بودن مهارت‌های خاص در نظر می‌گرفت. مدل مورد نظر با توافق شرکت بین المللی نفتی و دولت کویت تنظیم شده بود. به طوریکه با ایجاد شرایط لازم، تولید با هزینه پایین صورت می‌پذیرد و سود بیشتری را برای طرفین ایجاد می‌کند.

سخنران در مورد این سؤال که چرا کشور او نیاز به کمک و حمایت شرکت‌های بین المللی نفتی دارد، افزود؛ چرا ما به سادگی نمی‌توانیم با ایجاد قراردادهای خدماتی محدود کار را دنبال کنیم؟ و یا این که چرا ما از شرکت‌های خدمات نفتی کمک نمی‌گیریم؟ در جواب می‌توان گفت اول این که اگر جهان امروز را به طور کلی در نظر بگیرید مشاهده می‌کنید کشورها خط‌مشی‌هایی دارند که به شرکت‌های بین المللی نفتی اجازه نمی‌دهند تا سرمایه‌گذاری کنند و فقط کشورهای محدودی از این امر استقبال می‌کنند.

بنابر این شاید این پرسش ایجاد شود که چه چیز باعث شده که برخی کشورهای عضو اوپک و یا کشورهای غیر اوپکی در‌های خود را برای حضور و ورود شرکت‌های نفتی بین المللی بازنگذارند و حضور چنین شرکت‌هایی چه تأثیری می‌تواند در روند فعلی کشور ما داشته

باشد.

دومین مسئله کلیدی که ما به عنوان یک تولید کننده اوپک با آن مواجه هستیم، تولید بسیار زیاد کشورهای غیر اوپک طی بیست ساله گذشته است. از جمله نتایج تأثیر گذار بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اوپک، بهره‌برداری از مناطق با هزینه بالا همچون دریای شمال قبل از بهره‌برداری از مناطق با هزینه پایین همچون منطقه خلیج فارس است. از مهم‌ترین دلایل چنین وضعیتی این واقعیت است که تا چندی قبل، ما در اوپک در هیامان را بر روی سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بین المللی نفتی بسته بودیم. با ورود به هزاره جدید، ضروری است که در این خط‌مشی‌ها تجدیدنظر شود.

سوم این که، در کویت وقتی ما چالش‌های آینده را در نظر می‌گیریم به این نتیجه می‌رسیم که ارتباطات و خدمات تکنیکی فعلی کافی و قابل بسنده نیست. اگرچه ما افزایش در تولید را هدف قرار دادیم، اما باز هم با خطرات بسیاری در انجام کامل عملیات و مخاطره سرمایه‌گذاری مواجه هستیم. لذا با توجه به ادغام شرکت‌های بزرگ نفتی که برای کاهش هزینه‌ها و کاهش مخاطره صورت می‌گیرد، خواهان سرمایه‌گذاری خارجی در

هرگونه احتمال خطر، ارتباط اصلی با شرکت های بین المللی نفتی داشته باشیم تا بتوانیم از گستردگی خدمات آنها بهره مند گردیم.

«لنس جانسون، از شرکت (Mobil) موبیل آمریکا در سخنرانی خود با عنوان «مدیریت سرمایه در فضای قیمت های پایین» گفت: بعد از چندین سال میانگین قیمت های ۱۸ تا ۲۰ دلار برای هر بشکه، میانگین قیمت در سال ۱۹۹۸ حتی برنت زیر ۱۳ دلار بود. با گذشت زمان روند قیمت ها مشخص می شود، اما نمی توان هیچ گونه برآورد مطمئنی داشت. شرکت موبیل چنین برآورد کرده است که در بیش از ۱۶ سال آینده، نظام اقتصادی آسیا شرقی همان رشد ۲٫۲ درصدی در سال را خواهد داشت و در مجموع اقتصاد جهان در یک میزان قابل پیش بینی ۲٫۵ درصد در هر سال باید رشد داشته باشد. رشد تقاضای نفت در مقایسه با ۲٫۵ درصد سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷، پیش بینی می شود در ۶ سال آینده در سال ۲ درصد باشد. البته سه عامل در این میزان تأثیر دارند: اول رشد تقاضای کمتر از طرف آمریکای لاتین و اروپا است. دومین عامل تأثیرگذار موافقتنامه کیوتو است که همین امر

بخش بالادستی کویت شدیم. وی همچنین گفت: پرسش مهم دیگری که بحث می شود این است که چرا تأمین کنندگان خدمات نفتی نمی توانند تمامی خدمات را ایجاد کنند؟ ما باید مشخص کنیم چه چیز را می خواهیم بدست آوریم چون به این نتیجه رسیدیم با کمک عملی این ارائه کنندگان خدمات، قادر به انجام کارها نیستیم. در بحث تکنولوژی، ارتباط با تأمین کنندگان خدمات این امتیاز را دارد که مستقیماً تکنولوژی را از آنها می خریم البته از یک بعد ظاهری و بسیار ساده این چنین است ولی واقعیت امر کاملاً پیچیده است. پرسش کلیدی این است که چگونه می توانیم تصمیم بگیریم که تکنولوژی مناسب و پربازده با توجه به مشکلات مشخص آنها برای ذخایر ما چیست؟ با توجه به تجارت محدود باید سعی کنیم که سطح علمی خود را بالا ببریم تا بتوانیم در کاربرد چنین تکنولوژی هایی با بازدهی کامل سرعت لازم را داشته باشیم. می توان پرسید، چگونه تجربه می تواند با استفاده از تکنولوژی به طور مثال برای بازیافت ثانویه و افزایش بازیافت نفت مؤثر باشد و درمیادین نفتی بزرگ و مهم آنها چگونه مقایسه می شوند؟ ما ترجیح می دهیم با در نظر داشتن جوانب امر و کاهش

می تواند به جهت کاهش میزان انتشار گاز C02 (دی اکسید کربن) تأثیر بسزایی در کاهش رشد تقاضا برای سوختهای فسیلی باشد. سومین عامل جایگزینی گاز طبیعی بجای نفت است که می تواند رشد تقاضا برای نفت را کند سازد.

در مورد میزان تولید جهانی نفت، پیش بینی می شود که ظرفیت تولید کشورهای غیر اوپک کاهش یابد. البته شاید کاهشی نیز در کشورهای عضو اوپک دیده شود. میزان رشد تقاضای نفت و میزان تولید هم صدا با رشد اقتصادی هستند. وی در پایان گفت: باید سرمایه گذاری در امور زیر بنایی کشورهای مختلف را مهم شمرد و آن را مهم ترین عامل در امر بهره وری دانست. با قوت بخشیدن به این بخش می توان آینده منابع را تأمین و تضمین نمود. البته در کنار این مسائل باید نقش تکنولوژی های نوین و مسائل زیست محیطی را نیز مورد توجه قرار داد.

۲- توسعه پایین دستی (چشم انداز پالایش و انتقال)

«ریچارد. جی. فرنی» از شرکت کالتکس (Caltex) آمریکا در سخنرانی خود با عنوان «چشم انداز سود پالایش در شرایط بهبود

بحران در آسیا» گفت: ایجاد مازاد ظرفیت در بخش پایین دستی صنعت نفت خام در آسیا-پاسفیک دومین سال خود را طی می کند. واقعیت حاکم این است که ظرفیت مصرف هم در سمت تقاضا و هم در سمت عرضه به طور همزمان تحت فشار قرار گرفته است. تقاضای تولید نفت خام در منطقه آسیا-پاسفیک به طور میانگین از یک رشد ۵٫۳ درصدی طی یک دوره ده ساله یعنی ۱۹۹۶-۱۹۸۷ برخوردار بوده است. از زمان بحران اقتصادی آسیا، میزان رشد تقاضا در سال ۱۹۹۷ کاهش داشته است: البته پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۰۴ تغییر و تحولی در این جهت صورت پذیرد. وی پیش بینی کرد که از ظرفیت مازاد بعد از سال ۲۰۰۰ اندکی کاسته شود. چون بسیاری از پروژه های احداث پالایشگاه یا متوقف شده یا به صورتی به تعویق افتاده است. وی همچنین افزود: مشکل مازاد عرضه به دلیل کاهش ناگهانی تقاضا پس از بحران اقتصادی ایجاد شده است که سیستم نوین قیمت به طور مستقیم با هزینه نهایی فرآورده و با میزان مازاد عرضه ارتباط دارد.

«دیوید ایزاک» از شرکت فاکتس

(FACTS) آمریکا در سخنرانی خود که با عنوان «چشم انداز پالایش در ناحیه شرقی سوئز» ارائه شد معتقد است با توجه به افزایش ظرفیت های پالایشی در کشورهای خاورمیانه و پروژه های پالایشی در دست ساخت، ظرفیت تولید در خاورمیانه بیش از نیاز آسیا است از این رو خاورمیانه باید برای صادرات فرآورده به بازارهایی در نقاط دیگر دنیا پردازد.

«کارلوس کابرا» از بخش توسعه تجاری شرکت (Uopllc) آمریکا نیز آینده دشواری را برای صنایع نفت و پالایش با توجه به رقابت های شدید و مقررات جدی زیست محیطی و نیاز به تغییرات پروسه پالایشگاهها برای تولید فرآورده دارای سولفور بسیار پایین پیش بینی کرد.

۳- چشم انداز توسعه در بخش بالادستی

«لوسیان پوگلیارسی» از شرکت مشاوره ای (LPI) آمریکا در سخنان خود با عنوان «ملاحظات سیاسی غرب در قیمت های پایین نفت» گفت: اگرچه پس از توافقنامه اوپک در ماه مارس ۱۹۹۹، قیمت ها رشد داشته اما هیچگونه دوام و ثباتی برای آن نمی توان پیش بینی کرد. می توان گفت کاهش بسیار

زیاد قیمت در سال گذشته و حتی دو سال گذشته، صنعت نفت جهان را کاملاً دگرگون ساخته است. شرکت های خدمات نفتی یک ضرر و زیان ۸۰ درصدی را تجربه کرده اند. برای اوپک نیز تنزل شدید قیمت ها یک فاجعه مالی بود و درآمد اوپک را از تقریباً ۱۷۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ به ۱۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ کاهش داد. مصرف کنندگان نفت خام

کشورهای توسعه یافته (OECD) نیز در این وادی دستخوش تغییر و تحولات بوده اند. برای ایالات متحده، اروپای غربی، ژاپن و بسیاری از قسمتهای آسیا، کاهش بسیار زیاد قیمت های نفت سودهای گسترده اقتصادی را مهیا کرده است. با توجه به حجم تولیدات آمریکا چون این کشور بزرگترین مصرف کننده نفت است، قیمت های پایین تر نفت در رابطه با تورم و رشد اقتصادی، تأثیرات مثبتی را در این کشور ایجاد می کند. در اروپای غربی علاوه بر تأثیر گذاری بر تجارت، رشد اقتصادی را باعث شده که همین امر باعث تعدیل میزان تورم می شود. اقتصاد ژاپن نیز در سال گذشته تقریباً ۳٫۵ درصد، سیر نزولی داشته است. قیمت های پایین نفت نقش مهمی را در بحران مالی آسیا بازی کرده است و به این کشورها کمک کرده تا

محدودی از رکود اقتصادی خارج شوند. در روسیه نیز کاهش قیمت نفت نقش بسیار مهمی را در بحران مالی و سیاسی سال گذشته این کشور بازی کرده است. وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: در ارزیابی استراتژی‌های امنیت انرژی، این مسئله حائز اهمیت است که میان آسیب‌پذیری و وابستگی فرق و تمایز قائل شویم. میزان وابستگی مطمئناً مقیاس چندان خوبی برای اندازه‌گیری میزان آسیب‌پذیری نیست. از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴، EIA تلاش کرد تا نمایه‌ای را برای به اصطلاح میزان آسیب‌پذیری در آمریکا ارائه کند. نمایه موردنظر سه مقوله را نشان می‌داد: میزان عرضه جهانی نفت توسط اوپک بر اساس درصد تقاضا، سطوح ذخایر نفتی کشورهای توسعه یافته (OECD) و مازاد ظرفیت تولید نفت خام اوپک. در مجموع با استفاده از این نمایه می‌توان تشخیص داد که میزان قدرت بازار اوپک چگونه است. طبق آن در سال ۱۹۹۴ پیش‌بینی می‌شد که وابستگی جهانی به نفت اوپک افزایش یابد و تا سال ۲۰۱۰ به همان میزان سطوح دهه ۱۹۷۰ باقی بماند. اخیراً EIA مدل خود را تغییر داده و نتایجی را تحت شرایط «قیمت پایین نفت» ارائه نموده است.

به طوری‌که در آن چنین فرض شده که قیمت میانگین برای هر بشکه بر اساس ارزش دلار در سال ۱۹۹۷ برای پالایشگران آمریکا ۱۰٫۲۵ دلار در سال ۲۰۰۰ و ۱۴٫۵ دلار در سال ۲۰۰۵ باشد. در این گزارش چنین ذکر شده که تحت شرایط قیمت پایین، تولید اوپک به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد و کاهش ناگهانی در تولید آمریکا وجود ندارد. نفت خلیج فارس از ۳۰ درصد تولید جهانی در سال ۲۰۰۰ به ۴۳ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش می‌یابد و وابستگی به واردات نفت خام آمریکا از ۵۶ درصد به ۷۰ درصد افزایش می‌یابد. به جهت امنیت انرژی در آمریکا مفید نیست تا آمریکا حجم کوچکی از وارداتش را از خلیج فارس دریافت کند. در حالی که آمریکا واردکننده اصلی در جهان است و نفت برای اقتصاد آمریکا حیاتی است. پس آمریکا از لحاظ اقتصادی نسبت به بازار جهانی نفت آسیب‌پذیر است. از اینرو هرگونه کاهش در عرضه نفت خلیج فارس و یا ایجاد محدودیت در خط‌مشی‌های تولید برای تولیدکنندگان نفت خاورمیانه، هم به آمریکا و هم به دیگر واردکنندگان نفت (OECD) لطمه بزرگی را وارد خواهد کرد.

توجه به فرمول های قیمت گذاری از ترکیب قیمت نفت خام با قیمت لحظه ای و با برآورد لحظه ای معامله شده است، که این شرایط خود نقصان ها و امتیازاتی را دربر داشته است. وی بهترین راه تشخیص نقش فرمول قیمت گذاری را بررسی در دهه گذشته عنوان کرد و آن را به ۴ دوره زیر تقسیم نمود:

۱- تا اواخر ۱۹۸۵، تولیدکنندگان، نفت خام خود را بر اساس قیمت های خرید و فروش رسمی (osps) می فروختند.

۲- از اواخر ۱۹۸۵، با حمایت و رهبری عربستان، فرمول قیمت گذاری به صورت قراردادهای بازگشت سود خالص (سود سرمایه) ارائه می شد.

۳- در ملاقات اوپک در دسامبر ۱۹۸۶ دوره بازگشت سود خالص تمام شده و بازگشتی به قیمت های، خرید و فروش رسمی در فوریه ۱۹۸۷ مشاهده می شود.

۴- در اواخر ۱۹۸۷، مشکلات مشابهی که در سال ۱۹۸۵ ایجاد شده، مجدداً هویدا گردید. و استفاده از فرمول بازگشت سود خالص با توجه به قیمت لحظه ای نفت خام اجتناب ناپذیر بود که تا امروز نیز این وضعیت پایدار بوده است.

«جاناتان فرانکلین» مدیرعامل گروه نفت و گاز بانک «چیس مانهاتان» نیز با اشاره به شرایط دشوار رقابتی و هزینه های بیشتر برای سرمایه گذاری بویژه در نواحی جدید، بر تداوم مبارزه برای صرفه جویی در بخش پایین دستی نفت تأکید کرد.

«یاسوهیکو وادا» معاون شرکت ملی نفت ژاپن نیز معتقد است علی رغم افزایش عرضه نفت در داخل منطقه آسیا، عرضه داخلی تکاپوی تقاضای این منطقه را نداشته و غالب نیاز نفتی این منطقه از خاورمیانه تأمین شده که این وابستگی در آینده تشدید خواهد شد و افزود خواستار تعامل و همکاری میان خاورمیانه (خواهان سرمایه گذاری خارجی) و آسیای روبه رشد است.

۴- تجارت، قیمت گذاری و مدیریت مخاطره در میزگرد این موضوع «لیتل جان» از شرکت Little John، آمریکا در سخنانی با عنوان «فرمول ها و دستور العمل های قیمت نفت در خاورمیانه» گفت: برای مدت بیش از یک دهه، بیشتر نفت خام استخراج شده بر اساس قراردادهای مختلف و ناپایدار در سرتاسر جهان به خصوص منطقه خاورمیانه و با

سخنران افزود دلیل ایجاد چنین تغییراتی را می‌توان به سادگی از بررسی نمودارهای ساده عرضه و تقاضا دریافت. وی هم چنین گفت: استفاده از قراردادهای

بازگشت سودخالص در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ باعث فروپاشی قیمت در سال ۱۹۸۶ شد.

بین اگوست ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶، تولید نفت خام اوپک از ۱۴,۷ میلیون بشکه در روز به ۲۱,۱ میلیون بشکه در روز افزایش یافت به همین دلیل از قراردادهای بازگشت سود خالص استفاده شد. در فاصله اگوست ۱۹۸۶ و سپتامبر ۱۹۸۷، اعضای اوپک تولید خود را ۴ میلیون بشکه در روز کاهش دادند و باشناور شدن میزان تولید و با توجه به نوسانات بازار قراردادهای کاغذی رونق یافت و دیگر قراردادها کنار رفت.

۵- چشم انداز گاز طبیعی (LNG)

در این میزگرد «حسن الحسینی» از شرکت نفت و منابع خلیج بحرین در سخنانی با عنوان «فرصتهای نوین سرمایه گذاری در زمینه نفت و گاز در کشور عربستان سعودی» گفت: عربستان سعودی در سال ۱۹۹۸ درها را

برای بحث و گفتگو با شرکتهای بزرگ نفتی به جهت ایجاد شرایط بهتری برای سرمایه گذاری های نوین نفت و گاز در عربستان باز کرد.

پروژه شناسایی فرصت های سازنده و ثمربخش برای سرمایه گذاری طولانی از جمله دلایلی است که بررسی و مرور سیاست های کلی و اصلی را لازم می سازد. خارج شدن قیمت از نظارت دولت و برنامه های خصوصی سازی این کشور شاید بخش سرمایه گذاری خصوصی آنرا جذاب کرده است. وی همچنین گفت: بخش های بالادستی در این کشور به گونه ای تنظیم و تکمیل شده که ظرفیت مازاد تولید را طی دودهم آینده تضمین می کند. با توجه به آنکه میزان پالایش و پخش تأثیری مستقیم بر روی درآمد دولت دارد، در برنامه ریزی های این بخش کلیدی ترین مسائل مدنظر قرار گرفته است. البته برای کمک به رشد اقتصادی، سوبسیدهای قیمت نیز در نظر گرفته شده اند.

«حسن المزروقی» از شرکت گاز امارات متحده عربی در سخنرانی خود با عنوان «فرصت ها در بخش گاز دائمی و همواره وجود دارد» گفت: تجربه به ما آموخته است که ثبات

وسیعی را تحت الشعاع قرار داده است و البته چگونگی بزرگی و کوچکی این شرکت‌ها بستگی به چگونگی وضعیت مالی و سرمایه‌گذاری آنها دارد. این میزان نیز با میزان مخاطره ارتباط مستقیم دارد. زیرا با پتانسیل بیشتر سرمایه‌گذاری با توجه به شرایط جغرافیایی متفاوت، خطرات بیشتر سرمایه‌گذاری نیز ایجاد می‌شود.

البته همین سرمایه، رقابت‌پذیری را بالا می‌برد. این شرکت‌ها با بهره‌گیری از سرمایه و پیشرفتهای قابل ملاحظه در تکنولوژی چه در بخش بالادستی و چه در بخش پایین دستی توانسته‌اند خود را از بازارهای بزرگ مجزا کنند. البته باید گفت که ادغام‌ها رشد و بهبود بیشتر کارها و فعالیت‌های آنها را موجب شده است. کشورهای کلیدی تولیدکننده نفت نیز تمامی تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا خود را از نیروی حاکم بر بازار ایمن سازند. طی دو دهه گذشته، دولت‌های کشورهای تولیدکننده نفت، فعالیت خود را بر روی کاهش تولید و افزایش قیمت نفت از طریق افزایش بازدهی در اکتشاف و تولید با توجه به وضعیت کشورهای رقیب متمرکز نموده‌اند. اما اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که باید بخش بالادستی را مجدداً بر

عقیده، ثبات و تداوم صنعت را نیز به همراه می‌آورد.

دورنمای تقاضای گاز در آینده منطقی و کاملاً امیدوارکننده است. یعنی ۸۸ میلیون تن در سال ۱۹۹۸ به ۹۵ میلیون تن در سال ۲۰۰۰ و ۱۲۵ میلیون تن در سال ۲۰۰۵ و ۱۶۰ میلیون تن در سال ۲۰۱۰ خواهد رسید. عرضه این محصول برای نیازهای آتی

کاملاً تضمین شده است. و میزان تجارت آن ۱۰ درصد در سال ۱۹۹۶ نسبت به سال ۹۵ افزایش یافته است. در موافقت‌نامه‌های خرید و فروش گاز طبیعی باید تمامی مسائل بخش بالادستی، انجام پروژه و عملیات، حمل و نقل با کشتی به صورت زنجیره‌های متصل یک به یک مطرح و بررسی شوند. البته از چگونگی کیفیت محموله‌ها نیز نباید غافل شد.

۶- چشم‌انداز نفت در جهان و خاورمیانه

«ادوارد. ال. مورس» رئیس و ناشر (EIG) آمریکا در سخنانی با عنوان «صنعت نفت خام در هزاره آینده: بعضی ملاحظات نظری» گفت: کاهش قیمت نفت در سال ۱۹۹۸ با ادغام‌های شرکت‌های بزرگ نفتی همراه بوده است. این ادغام‌ها خود ابعاد

روی سرمایه‌گذاری خارجی بگشایند تا هم سهم بازار و هم درآمد را در کوتاه مدت و یا حتی بلندمدت مهیا سازند. وی در پایان گفت: قدرت‌های کلیدی صنعت نفت اهداف خود را در دو جهت رشد و گسترش خواهند داد. اول این که به طور جدی و با سرعت بر روی گاز طبیعی و نیروگاه‌های برق متمرکز می‌شوند، و دوم این که بر روی ارتباطات و تجهیزات مخابراتی سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بیشتری داشته باشند.

«آدریان بینکس» نیز از شرکت (Petroleum Argus)، انگلستان در سخنرانی خود با عنوان «تجدید ساختار صنعت نفت» گفت: در سال گذشته تقریباً ۱۹۲ میلیارد دلار در کل تملکات بخش بالادستی و پایین دستی نفت جهان هزینه شده است. در حالی که برآوردها نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۷ هزینه ۱۰۰ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۶، ۷۱ میلیارد دلار بوده است.

برای ایجاد تجدید ساختار در صنعت نفت باید شش نکته مهم را در نظر داشت:

۱- فشار برای بازگشت کوتاه مدت سود سرمایه، تا سود را برای سهامداران حداکثر سازد.

۲- ایجاد جو بسیار مساعد نظارتی و کنترلی که شرکت‌های ادغام شده را قادر به پیش برد اهداف سازد.

۳- قیمت‌های نفت تا اواخر سال ۱۹۹۶ سود و ارزش سهام اکتشاف تولید را در مقایسه با بخش‌های پایین دستی افزایش می‌داد. طی سال گذشته قیمت‌های پایین نفت، شرکت‌های نفتی را تحت فشار قرارداد تا بررسی مجددی بر روی کاهش هزینه‌ها داشته باشند.

۴- مالیات و دیگر فشارها در جهت شرکت‌های ادغام شده باعث شده تا میدین نفت آماده را به مجریان مستقل و کوچکتر واگذار کنند.

۵- رشد ناچیز در بازارهای پایین دستی به سمت ایجاد تخصص‌های بیشتر در زمینه پالایش، رشد و توسعه شرکت‌های بازاریابی هدایت شده است.

۶- واگذار کردن و امتیاز دادن به نام‌های تجاری، که باعث ایجاد بازاریابی بیشتر و سود بالاتر می‌شود. شاید این سؤال پیش آید که اصلاً چه دلیلی برای تجدید ساختار وجود دارد؟ شرکت‌های بزرگ نفتی که در واقع از بخش‌های اصلی ایجاد ساختار صنایع نفت و

این منطقه، کشورهای توسعه یافته را تشویق کرده است تا در تولید، مدیریت و بهره برداری منابع از این منطقه اولویت قائل شوند. بنابراین باید دید آیا کشورهای این منطقه از موقعیت موجود می توانند برای به حداکثر رساندن ارزش افزوده منابع خود بهره جویند. از طرفی گردهمایی با توجه به شرایط جاری بازار جهانی نفت و وضعیت عرضه و تقاضا، افزایش قیمت های نفت را چندان پردوام نمی بینند بنابراین کشورهای تولید کننده نفت باید با اعمال مدیریت کارآمدتر در جهت کاهش هزینه ها و کاهش مخاطره به فعالیتهای جدید در عرصه انرژی بپردازند.

تهیه و تنظیم گزارش:
فرهاد محمدی، فرانک عبدی

1. Ame Info, Middle East Business Information, CD - Rom. 1999.
2. Bahrain, The East Trade / Arab Market, No. 367, october 1998.
3. The Seventh Annual Middle East Petroleum and Gas Conference, April. 11-13, 1999, Bahrain.

گاز محسوب می شوند در پی کسب و رسیدن به استراتژی حداکثر سازی سود و بازگشت سریع سرمایه از منابع هستند. در نتیجه روندهای متفاوتی را در پیش می گیرند که ساختار صنایع را تحت تأثیر قراردادده و تجدید ساختار آنها را موجب می شود.

نتیجه گیری

در صنعت نفت شرایط جدید، تغییر و تحولاتی را هم در شرکت های نفتی و هم در کشورهای تولید کننده نفت به خصوص اوپک موجب شده است. ادغام شرکت های بزرگ در جهت کاهش هزینه ها، بالابردن توان فن آوری به کاهش خطر و به حداکثر رساندن سود سهامداران در مدت های کوتاه تر سوق پیدا کرده است.

کشورهای تولید کننده نفت به خصوص اعضای اوپک برای داشتن سهم بیشتر در تأمین انرژی از طریق این بخش، طرحهای سرمایه گذاری را در بخش بالادستی در دست مطالعه و بررسی ویا اجراء دارند. ذخایر قابل ملاحظه منابع نفت و گاز در منطقه خاورمیانه و به خصوص حوزه خلیج فارس و هزینه های پایین اکتشاف، استخراج و تولید نفت و گاز در